

# اهمیت آموزش اجتماعی و مالی

(این مقاله بعد از بحران مالی اخیر در اروپا و امریکا تنظیم شده است)

نویسنده: کریستینا بلتسو

مورخان در آینده، در توصیف زمان ما، بحران مالی اواخر اولین دهه سال‌های ۲۰۰۰ که جهان را تکان داده و نقطه عطفی در این قرن بوده را متذکر خواهند شد. در گوشه و کنار جهان بازارهای سهام سقوط کردند، مؤسسات بزرگ مالی فروپاشیدند و دولت‌ها حتی در کشورهای ثروتمند ناگزیر از اتخاذ سیاست‌های نجات اقتصادی در جهت محافظت از سیستم مالی خود شدند. سقوط مالی متعاقب این بحران به عنوان مخرب‌ترین بحران جهانی از «رکود بزرگ»<sup>۱</sup> تا کنون معرفی گردید. با پایان شوک‌های اولیه، هنوز هم به نظر می‌رسد برای رفع بحران در اقتصاد جهانی به سال‌ها وقت نیاز باشد. به هر حال ابعاد اجتماعی این گرفتاری اقتصادی بر روی مردمی که سال‌ها به رفاه عادت داشته‌اند، کمتر روشن شده است. تمرکز بر روی تأثیرات فردی و نه سازمانی وضعیت اقتصادی موجود، کارشناسان زبده و سیاست‌گزاران را بر آن می‌دارد تا اثرات سقوط اقتصادی بر نحوه زندگی مردمان، باورهای‌شان و مؤسساتی که مردم به آن‌ها وابسته‌اند را بررسی کنند.

به همین دلیل کشورها و اقتصادهای سراسر جهان به نحو فزاینده‌ای به سطح سواد مالی شهروندان‌شان توجه نشان داده‌اند. این دلواپسی‌ها ناشی از این درک است که تصمیمات مالی نه چندان آگاهانه می‌توانند اثرات منفی وسیعی<sup>۲</sup> را در بر داشته باشد. در واقع این درک باعث افزایش میزان گفتمان در خصوص اهمیت آموزش مالی شده و در نهایت اقبال زیادی را در بین سیاست‌گزاران کسب کرده است. در یک تجزیه و تحلیل در سطح اقتصاد خرد،<sup>۳</sup> OECD، توسعه‌ی آموزش مالی را به عنوان پاسخی استراتژیک به بحران مالی به رسمیت شناخته است. افراد را قادر می‌سازد تا درک خود را نسبت به محصولات و مفاهیم مالی بالا برده، نسبت به مهارت‌ها و فرصت‌های مالی آگاه بوده و در خصوص گزینه‌های خدمات مالی پیش روی خود، تصمیمات آگاهانه‌ای بگیرند. در نهایت آموزش مالی به عنوان ستون کلیدی رشد اقتصادی پایدار و ثبات مالی قلمداد گردیده است.

هم‌چنین در عصر تغییرات پرشتاب، نوآوری و پیچیدگی روزافزون ابزارهای مالی، ریسک مالی و مسئولیت اکثر تصمیمات مالی را به خود فرد منتقل کرده است. هرچه بازار مالی به صورت پیشرفته‌ای پیچیده‌تر می‌شود، عدم برخورداری فرد از سواد و آگاهی مالی، شرکت آگاهانه‌ی فرد در زندگی اقتصادی را هر چه بیشتر به چالش می‌کشد. مردمی که سواد مالی پائینی دارند، بیشتر امکان دارد با مشکل بدهکاری مواجه شوند و کمتر محتمل است بتوانند سرمایه‌ای بیاندوزند و بر آن مدیریت مؤثری را اعمال نمایند. این موضوع در کشورهای غربی و ثروتمندتر، نگران‌کننده‌تر به نظر می‌رسد؛ مصرف‌کنندگان به طیف وسیعی از محصولات و خدمات از منابع و کانال‌های توزیع مختلف دسترسی دارند. در نتیجه مصرف‌کنندگان نه تنها می‌بایست یک سری از ویژگی‌ها (مثل کارمزد و نرخ سود) را برای مقایسه در نظر بگیرند، بلکه باید بتوانند لزوماً به صورت مؤثری مسئولیت‌های مالی

۱- رکود بزرگ به رکود گسترده‌ی اقتصادی جهان، یک دهه پیش از شروع جنگ جهانی دوم گفته می‌شود. بحران بزرگ را می‌توان عمیق‌ترین، طولانی‌ترین و گسترده‌ترین بحران اقتصادی قرن بیستم دانست.

2- negative spill-over

۳- سازمانی است بین‌المللی دارای ۳۴ عضو که اعضای آن متعهد به اصول اقتصاد آزاد و دموکراتیک می‌باشند. این سازمان در سال ۱۹۴۸ تحت عنوان سازمان همکاری اقتصادی اروپا تأسیس شد.

خود را مدیریت نمایند. به‌ویژه مدیریت و تخصیص منابع شخصی روز به روز نیازمند توجه به جزئیات بیشتری است. در چنین فضای دشواری، نسل جوان از طرف صنعت، نه‌تنها به عنوان بازار آینده بلکه به عنوان بازار مناسب در دسترس فعلی هم مورد توجه قرار دارد. از آن‌جا که تبلیغ‌کنندگان، سالانه مبالغی عظیم را صرف بازاریابی بر روی کودکان و جوانان می‌کنند، این سؤال اساسی پیش می‌آید؛ آیا این مصرف‌کنندگان جوان برای گرفتن تصمیم‌های مالی موفق، آماده شده‌اند؟ بر طبق بررسی سال ۲۰۱۱ چارلز شواب، تحت عنوان نوجوانان و پول، بخش اعظمی از جوانان اظهار داشتند که تحت‌تاثیر بحران اقتصادی قرار گرفته و ترجیح می‌دهند قبل از ارتکاب هر گونه اشتباهی در دنیای واقعی، در کلاس در مورد مدیریت پولی آموزش ببینند. از آنجا که جمعیت جوان در حال حاضر دسترسی فزاینده‌ای به اعتبار دارند، بسیار محتمل است خود را با بدهی ناشی از وام‌های دانشجویی و یا کارت اعتباری مواجه ببینند. چندین بررسی بین‌المللی بر این نکته اشاره دارند که اکثریت جوانان آرزو دارند که ای کاش مدارس فعلی آن‌ها مادامی که آنان احساس عدم اطمینان و آمادگی در قبال مدیریت حساب بانکی و امور مالی خود دارند، به ایشان آموزش مالی ارائه می‌کردند. از آنجا که تغییرات بازار پولی از نسل‌های جوان انتظار دارد با ریسک‌ها و مسئولیت‌های روزافزون مالی مواجه شوند، آموزش مالی می‌بایست به عنوان یک «مهارت کلیدی زندگی»<sup>۴</sup> تلقی گردد.

به عنوان یک قدم رو به جلو، رویکرد بهینه در جهت سواد مالی نباید صرفاً منوط به معیارهای خاص باشد. آموزش مالی می‌بایست با روش‌ها و رویکردهایی که ارتباطات و وابستگی‌های موجود در محیط اجتماعی را در بر می‌گیرد، بهینه شود. در بین چالش‌های متعددی که جوامع مدرن باید با آن روبرو شوند، اظهارات یک شرکت معظم بین‌المللی جلب توجه می‌کند؛ «فقر دارد به اروپا برمی‌گردد». در حقیقت ریسک فقر در اکثر کشورهای توسعه‌یافته در حال افزایش است، در حالی که عبارت «محرومیت اجتماعی» موقعیت درخور توجهی را در مناظرات سیاسی به خود اختصاص داده است. بر طبق شواهد، ده‌ها میلیون کودک در ثروتمندترین کشورهای جهان در فقر به سر می‌برند در حالی که محرومیت اجتماعی در سیکلی از محرومیت از نسلی به نسل بعد ادامه دارد. علاوه بر تأثیرات بحران، اثرات چنین تحولات اجتماعی پیامدهای عظیم و دیرپایی را بر روی کودکان و جوانان به دنبال داشته است. تحقیقات در آلمان نشان می‌دهد که از هر چهار کودک در مدارس ابتدایی یک نفر اغلب دچار حس اضطراب است. در همین حال تقریباً نیمی از دانش‌آموزان دبیرستانی در انگلستان معتقدند که مشکل قلدرمآبی و زورگیری که در مدرسه با آن مواجه هستند، ناشی از مشکلات ضعف زبان دانش‌آموزان و تفاوت‌های نژادی و دینی آنان است. تحقیقات دیگری که در ایالات متحده آمریکا به عمل آمده، نشان می‌دهد اکثریت جوانان در زندگی روزمره‌ی خود در معرض خشونت قرار دارند که می‌تواند منجر به آسیب‌های ماندگار جسمی، روحی و عاطفی شود. در جهانی که به‌طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر می‌شود، تمامی این پدیده‌های منفی، نیاز به سیاست‌های مقابله‌جویانه و برنامه‌های عملی مختلفی را یادآور می‌شوند و بالاتر از آن به نقش حیاتی آموزش به عنوان عامل شتاب‌دهنده در زندگی مردم اشاره دارد.

یک قرن پیش، شوماخر آموزش را به عنوان بزرگترین منبع دستیابی به یک جامعه‌ی عدالت‌محور و دوستدار محیط زیست قلمداد کرد. از آن زمان تاکنون یک سری از گزارشات عمده‌ی بین‌المللی بر نقش کلیدی آموزش در جستجوی زندگی پایدار تأکید ورزیده‌اند. از میان روش‌های مختلف، آموزش مبتنی بر مهارت‌های زندگی<sup>۵</sup> به عنوان راهی در جهت توانمند ساختن

---

4- key life skill

5- life Skills-Based Education (LSBE)

کودکان برای مواجهه با چالش‌های محیط مورد توجه قرار گرفته است. عبارت مهارت‌های زندگی اشاره به گروه وسیعی از مهارت‌های روانشناختی و بین فردی دارد که می‌تواند به کودک در جهت اتخاذ تصمیمات آگاهانه، برقراری مؤثر ارتباط و مسیریابی در محیط کمک نماید. با گنجاندن مهارت‌های زندگی در سیستم آموزشی، بچه‌ها به ابزار لازم برای پیروزی بر چالش‌های روزمره‌ی دنیای واقعی مجهز می‌شوند. مهارت‌های زندگی که از جانب یونیسف به عنوان بخشی حیاتی از آموزش برتر به رسمیت شناخته شده، با رشد بهداشت روانی و آموزش‌های تعاونی پیوند خورده است. از طریق فرآیند یادگیری و آموزش تعاملی که شامل تکنیک‌هایی نظیر «بارش فکری» و بازی‌های ایفای نقش می‌شود، کودکان دانش لازم و نگرش مثبت و مهارت و شایستگی‌های کلیدی را به دست می‌آورند. این رویکرد آموزشی آشکارا با چارچوب مفهومی ارائه شده توسط آمارتیا سن (برنده‌ی جایزه نوبل) هماهنگی دارد. افزایش انتخاب‌های افراد و توسعه توانمندی‌های انسانی، شالوده‌ی رویکرد توسعه‌ی انسانی می‌باشد.

با توجه به مطالب فوق مشخص می‌گردد که راه حل‌ها و عکس‌العمل‌ها صریح و مستقیم نبوده و نخست باید با نگرشی کلی مورد توجه قرار گیرند. از آنجا که هیچ نقطه نظر تک بعدی، برای مدیریت نیازهای مالی و اجتماعی کافی به نظر نمی‌رسد، پاسخ آموزشی موضوع، به دنبال الگویی از رویکردهای متفاوت است. به نظر می‌رسد ترکیب آموزش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های مالی بتواند پاسخگوی این چالش بوده و در نهایت کودک را برای شهروند جهانی شدن آماده سازد. در واقع این اظهار نظر در عین حال می‌تواند مفهوم برنامه‌ی آموزشی افلاتون را به خوبی شرح دهد. افلاتون که در آمستردام هلند پایه‌گذاری شده است، یک سازمان مردم‌نهاد پیشرو است که به میلیون‌ها کودک در ۹۵ کشور دسترسی دارد. بر اساس کنوانسیون‌های حقوق کودک سازمان ملل متحد، برنامه‌ی افلاتون قصد دارد با روشی بازی‌محور به کودکان بیاموزد چگونه با پول تعامل کرده و چگونه از نظر مالی و اجتماعی مسئولیت‌پذیر باشند. پنج زمینه‌ی آموزشی ما نشانگر پنج محور اساسی برنامه‌ی افلاتون است: شناخت و کشف خود، حقوق و مسئولیت‌ها، پس‌انداز و خرج، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی و اقدامات اجتماعی و مالی. هدف افلاتون این است که "از نظر اجتماعی و مالی کودک را قادر سازد که به عنوان عامل تغییر در زندگی خود و جهانی عدالت‌محور عمل نماید"<sup>۱</sup>. با بازنگری بحران اقتصادی که جهان را تکان داد حرف‌های یک دانش‌آموز دبیرستانی هلندی افلاتونی حقیقت نهفته در پشت واقعیات را آشکار می‌سازد: «من یک مقدار پول توجیبی می‌گیرم. اول همه آن را خرج می‌کردم. حالا اما فکر می‌کنم چقدر دارم و این تمام آن چیزی است که می‌توانم خرج کنم». در جهت اطمینان پیدا کردن از رفاه آینده، یک فرآیند در هم تنیده‌ی انسانی به عنوان یک اولویت شناخته می‌شود. ما این سفر را افلاتون می‌نامیم.

## ليست منابع

- i Grusky D., W. B. (2011). *The Great Recession*. Russell Sage Foundation .
  - ii Elliott L. (2012, December 27). UK economic recovery will be slow, OECD warns. *The Guardian* .
  - iii OECD. (2012). *PISA 2012 Financial Literacy Framework*. OECD.
  - iv INFE. (2009). *Financial Education and the Crisis*. OECD.
  - v FED. (2012, August 7). *FED*. Retrieved January 30, 2013, from <http://www.federalreserve.gov/newsevents/speech/bernanke20120807a.htm>
  - vi OECD. (2012). *PISA 2012 Financial Literacy Framework*. OECD.
  - vii EU. (2007). *Survey of Financial Literacy schemes in the EU27*. Hamburg: European Commission .
  - viii OECD. (2009 ). *PISA 2009*. OECD.
  - ix OECD. (2012). *PISA 2012 Financial Literacy Framework*. OECD.
  - x FED. (2002). *Financial Literacy: An Overview of Practice, Research and Policy*. Washington: FED Bulletin.
- 5
- xxvi UNICEF. (2012). *UNICEF*. Retrieved January 2013, 2013, from <http://www.unicef.org/lifeskills/>
  - xxvii WHO. (1997). *Life skills Education in Schools*. Geneva: WHO
  - xxviii WHO. (1997). *Life skills Education in Schools*. Geneva: WHO
  - xxix Sen A, Anand S. Concepts of Human Development and Poverty: A Multidimensional Perspective. In: *Poverty and Human Development: Human Development Papers 1997*. New York: United Nations Development Programme; 1997. p. 1-20.
  - xxx Aflatoun Strategy 2011-2015